

ادامه از صفحه اول

خوب‌وب‌د مذاکره با آمریکا

نهایتا، اگرچه ایران می‌تواند مذاکرات بدون پیش‌شرط را بپذیرد اما به این معنا نیست که مقدماتی که صداقت آمریکا در گفت‌وگوها را پشتیبانی می‌کند، نادیده خواهد گرفت. ایالات متحده باید اجرای همه تحریم‌هایی را که در برجام تعلیق شده بود، پیش از مذاکرات و در طول گفت‌وگوها متوقف کند و اطمینان دهد که تا رسیدن به توافق جدید مانعی برای اجرای تعهدات سایر کشورها در برجام ایجاد نخواهد کرد. با تحقق این مقدمات، مذاکرات ایران و آمریکا، نه پایان بلکه سرآغازی بر مانورهای سیاسی ایران در برابر آمریکا متحدانش و همه طرفداران براندازی در مرحله‌ای جدید و بی‌سابقه خواهد بود.

«مدیر برنامه مطالعات جهانی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

به‌دنبال کدام دشمن؟

بهرتر نیست دنبال دشمنی بگردیم که قابل مقاومت نیست؟ آن رفیق شفیقی که بودنش آبادانی است و نبودش مرگ و نیستی را باید به درستی درک کرد. دشمن‌شناسی خود از بزرگ‌ترین موهبت‌هاست. همان‌طور که دشمنی آمریکا دشمنی مطلق می‌تواند نباشد، دشمنی مطلق نبود با کمبود آب را نیز می‌توان به دشمن غیرمطلق تبدیل کرد، چه اگر چنین نکنیم، فرمایش قرآن کریم را نادیده گرفته‌ایم که فرموده از آب همه موجودات را حیات بخشیدیم، پس نبود آب موجب نبود حیات و مرگ خواهد بود.
مجلس بگوید؛ هنوز مسئولان ایران نبود حیات و آینده تیره و تار به خاطر کمبود یا فقدان آب را حس نکرده‌اند والا امروز بسج واقعی در سطح کشور برای رفع این مشکل شکل گرفته بود. این بهانه جدید هم پذیرفتنی نیست که حال با آمریکا سستیز درگرفته و کار باید به بعد واگذار شود زیرا ممکن است بعدا بسیار دیر شود. اما چرا دشمنی با آب، از دشمنی مانند آمریکا مهم‌تر است. کافی است به هندار اخیر وزارت کشور درخصوص مهاجرت مردم به سمت شمال کشور دقت کنیم. کافی است بدانیم اگر دریاچه ارومیه خشک شود، کل کشاورزی منطقه‌ی محدوده دریاچه ارومیه و کرج به دلیل توفان‌های نمکی خشک شده و مردم آن رنجور و بیمار و مهاجر می‌شوند و کل کشاورزی منطقه از پای می‌افتد. کافی است به خوزستان که دارد به شورشستان تبدیل می‌شود، نگاه کنیم که چگونه آب، رفیق شفیق، به دشمن تبدیل شده است و بهترین منطقه کشاورزی را از حیز انتفاع می‌اندازد. مهاجرت یعنی خالی شدن منطقه‌ای از سکنه و آماده‌شدن برای جانشینی دشمنان، مهاجرت یعنی تراکم غیرمعمول از طوایف گوناگون و آماده‌شدن هسته‌های متضاد برای درگیری قومی. مهاجرت یعنی حاشیه‌نشینی و آمادگی برای بروز ناهنجاری‌ها. وقتی چاه‌ها شور یا خشک شود، باغ‌ها به مزارع چوب خشکیده تبدیل می‌شوند، زمین‌ها نشست می‌کند و فرو می‌رود و حتی کشت دیم در آن اتفاق نمی‌افتد. تولید کارخانجات کاهش می‌یابد. علاوه بر کشاورزی صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع غذایی متوقف می‌شود. حتی در شهرها کمبود آب، جیره‌بندی همراه با سهمی‌بیماری‌ها رخ می‌دهد. این پدیده‌ها نوبتی و پشت سر هم نیستند بلکه با هم و هماهنگ عمل کرده و یک سونامی که چندان دور نیست در کشور ایجاد می‌کنند. تراکم بهداشتی و حاشیه‌ای، کمبود مواد غذایی، مشکلات بهداشتی، درگیری‌های مردم با یکدیگر و با شکت حاکمه و بسیاری امور دیگر با هم اتفاق می‌افتد و بی‌خیالی کنونی ناکهان به یک اندوه عظیم و ناپسامانی مخرب تبدیل می‌شود. حتی آیا راه چاره‌ای هست؟ مشکل آنجاست که به آموزه‌های قرآنی توجه نمی‌شود. مگر در قرآن نیامده که اسراف نکنید. اسراف را می‌توان مطابق شرایط تعریف کرد. از تعدیل حضرت یوسف(ا.ل.ک) گرفت و فکر آینده را در جامعه پیاده کرد. برای هر مورد منابع آبی اندیشه و فکر داشت. اگر آب سدهای کرج و ولایت و طالقان و لار به تهران آورده و مصرف می‌شود، منهای آنچه تبخیر می‌شود، می‌توان با تصفیه فاضلاب حجم بسیار زیادی آب در اختیار داشت. طرح فاضلاب تهران سال‌هاست که در حال اجراست و معلوم نیست چه موقع به ثمر می‌نشیند. برای جلوگیری از سونامی، باید کشاورزی هر منطقه را به کشت پربازده اختصاص داد. همه اینها سرمایه و تدبیر می‌خواهد؛ در میان سخنان مدیران کشور و صاحب‌منصبان بسیار بسیار کم این موضوع را می‌توان یافت. اگر حرفی است از منتقدان و دلسوزان است و نه مقامات رسمی، شاید می‌خواهند خواب مردم آشفته نشود و شاید هم دل به طرح‌هایی مانند استخراج آب‌های عمیق داده‌اند. اگر هم آن آب‌ها پیدا شود، باز برای آبادانی و بقای روستاها و شهرهای کوچک باید با منطق فازی با آن روبه‌رو شویم. هرچند

این بیشتر به سراب می‌ماند و دل به آن خوش کرده‌ایم. دوست شفیق ما به دلیل بی‌وفایی و رفتار ناصحیح ما، ناپدید شده است. گویند حضرت عزرائیل بر فردی فرود آمد و طلب جانش را کرد؛ آن فرد متعجبانه گفت چرا ناپته‌ام، خوب بود نشانه‌هایی می‌فرستادی. آن آنکه ناکهانی جانم را بستانی. حضرت عزرائیل فرمود پدرت، مادرت، برادرت و دوستانت را ببردم. دندان‌هایت ریخته، موی سرت سپید شده، ناتوان شده‌ای، آیا اینها نشانه نیست؟ حکایت ما هم حکایت حضرت ملک‌الموت و آن مرد غافل است.

شرق: بسته دوم ارزی بانک مرکزی اجرا می‌شود؛ بسته‌ای با سه نرخ. پنج ماه پیش دولت بعد از جهش ارزی سیاستی ارزی را پیاده کرد که در جهت نظام ارزی تک‌نرخی بود اما در کنار نرخ چهارهزارو ۲۰۰تومانی دولت در بازار آزاد با وجود ممنوعیت، نرخ ارز به ۱۱هزار تومان هم رسید. شکاف قیمتی میان این دو نرخ چندین پرونده تخلف مالی را باز کرد که از دلالات و صرافان تا معاونان وزارت صمت و بانک مرکزی در آن حضور داشتند. در پی همین اتفاقات بانک مرکزی از بسته ارزی جدیدی رونمایی کرد که به‌منزله ملغی‌شدن ارز تک‌نرخی و ممنوعیت فعالیت صرافی‌هاست. دولت برای تأمین کالاهای ضروری به واردکنندگان ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی می‌دهد و تأمین دیگر نیازهای ارزی هم به دست بسته نرخ بازار ثانویه و صرافی‌ها سپرده می‌شود؛نرخ باز و بدون مداخله دولت. اما این بسته سؤالات زیادی را به همراه داشته است؛ چه ضمانتی برای

پایان رانت‌بازی ارزی وجود دارد؟ آیا کالاهای ضروری را قیمت متناسب با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به دست مصرف‌کننده می‌رسد؟ در بازار ثانویه چه کسانی نرخ تعیین می‌کنند؟ اینها بخشی از پرسش‌هایی است که «شرق» با حسین قضاوی، معاون بانکی پیشین وزارت اقتصاد و معاون اقتصادی سابق بانک مرکزی، در میان گذاشته است. حسین قضاوی معتقد است اگر عزم دولت در بسته ارزی جدید پایان‌دادن به فضای رانت ارزی است، باید سیاست خود را در برابر صادرکنندگان محصولات پتروشیمی و فولادی‌ها تغییر دهد. او از آموزه‌ای در علم اقتصاد صحبت می‌کند؛ «در جایی که نمی‌توانید کنترل کنید، نیازی نیست یارانه پنهانی تزریق کنید» و مبتنی بر همین اصل تأکید می‌کند حالا که عواید ارزی پتروشیمی‌ها قار است در بازار عرضه شود، پس دیگر ارائه یارانه ارزی منطقی نیست و دولت باید در ازای تحویل خوراک به این صنایع از آنها ارز با نرخ متناسب با بازار ثانویه مطالبه کند.

«حدود شش ماه است که نرخ ارز با جهش چشم‌گیری در حال پیشروی است. دولت تاکنون دو بسته ارزی را برای کنترل و مهار تورم‌ی طراحی کرده، یک بسته با نرخ ترجیحی و بسته دیگر که از امروز اجرا می‌شود، مبتنی بر سه نرخ دولتی، ثانویه و صرافی‌هاست. ارزیابی شما از واکنش بانک مرکزی و دولت در برابر نوسانات بازار از چیست؟

برای شروع بحث اجازه دهید تصویر نظام ارز متداول در کشورها به نظر ارزی برده‌شده در ایران را مرور بکنانیم. یک با توجه به تجربه اقتصادی دهه‌های گذشته نظام ارزی مناسب برای کشور ما، نظام ارزی شناور مدیریت‌شده است. این یک قطعشی است که در بلندمدت می‌تواند ضامن تولید داخلی و رقابت با تولیدات خارجی باشد. باید وضعیت به‌گونه‌ای باشد که شوک‌های ارزی خارجی در پی نوسانات قیمت جهانی نفت، نتواند به‌راحتی در اقتصاد تزریق شود. وجودی ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی هم همین بود. گرچه در عمل این رسالت به فراموشی سپرده شد، اما راهکار اساسی به‌رحال همین است. برای کشوری مانند ایران که درآمد نفتی دارد و باید تلاش کند تنوع محصولات ارزی خود را افزایش دهد، چاره‌ای جز این نیست. در این سال‌ها تلاش شد این مکانیسم به‌عنوان یک مکانیسم

اقتصاد

معاون بانکی سابق وزارت اقتصاد در تحلیل بسته ارزی جدید دولت پیشنهاد داد

قطع یارانه پنهان پتروشیمی



توسعه اقتصادی پایدار در ایران اجرا شود. اما نیازهای روزمره باعث شد عملا از رسالت اصلی خود فاصله بگیرد. برای اینکه نظام ارزی شناور مدیریت‌شده بتواند ضامن ثبات ارزی و ضامن تولیدات داخلی در برابر خارجی باشد، باید از یک طرف تلاش کرد شوک‌های ارزی چه منفی و چه مثبت در اقتصاد تزریق نشود. بانک مرکزی در بازار ارز باید به‌گونه‌ای مداخله کند که نرخ ارز واقعی به نرخ ارز بازار خیلی فاصله نگیرد. نرخ ارز در اکثر کشورها براساس نظریه برابری قدرت خرید تعیین می‌شود. این نظریه به ما می‌گوید نرخ ارز در گذر زمان باید از خالص تورم داخل و خارج از کشور تأثیر بپذیرد. برای مثال، اگر شرکای تجاری ایران (عمدتا کشورهای منطقه یورو و چین)، متوسط نرخ تورمشان حدود دو درصد است، ما باید این رقم را از نرخ تورم داخلی کم کنیم (فرض بگیریم نرخ ۱۰ درصد کنونی). برابر می‌شود با سالانه هشت درصد خالص تورمی که در اقتصاد باید روی نرخ ارز اثر بگذارد. اگر این اتفاق بیفتد، تولیدات داخلی رقابت‌پذیری‌شان با تولید خارجی حفظ می‌شود. بنابراین سیاست‌گذار پولی باید اجازه دهد نرخ ارز به‌گونه‌ای افزایش پیدا کند که صادرکننده ایرانی متضرر نشود. اگر هزینه تولید در ایران به‌گونه‌ای افزایش پیدا کند و دولت بدون توجه افزایش قیمت در داخل بخواهد نرخ ارز را همان در ارزش قبلی نگه دارد، انکیزه تولید و صادرات در کشور به‌تدریج از بین می‌رود.

« در اقتصاد ایران سیاست‌گذاری در حوزه ارز از نظریه برابری قدرت خرید تبعیت کرده است؟

متأسفانه در کشور ما عموم دولت‌ها در دوره اول سعی می‌کنند با اتکا به لنگر نرخ ارز تورم را کنترل کنند و بدون توجه به فشارهای تورمی داخلی نرخ ارز را تا جایی که می‌توانند میخ‌کوب کنند. این امر موجب می‌شود بعد از مدتی نرخ ارز اسمی از نرخ ارز واقعی فاصله بگیرد و در این صورت بانک مرکزی ناچار است ارز بیشتری در بازار بفروشد تا از ارز اسمی دفاع کند. از آنجا که ذخایر بانک مرکزی محدود است، لجاجت با بازار وضعیتی را ایجاد می‌کند که ضربه به ذخایر ارزی زده می‌شود. در مقطعی این اتفاق حادث می‌شود، همچنان که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم و جهش ارزی

تعیین نرخ بهره بانکی با نرخ تبدیل ارز مداخله می‌کند.

درواقع قرار بود اقتصاد دولتی به اقتصاد رقابتی تبدیل

شود. اما در عمل ما با یک اقتصاد رفاقتی روبه‌رو شدیم. این ساختار رفاقتی پدیدآمده از مناسبات قدرت ثروت منجر به دو پیامد مهم در اقتصاد ایران شد که وجه تمایز اقتصاد کنونی با گذشته است و از این منظر نوعی گسست در مسیر تاریخی اقتصاد معاصر ایران به‌وجود آورد. نخست اینکه الگوی اقتصادی کنونی اقتصاد ایران غیرمولد است و دوم اینکه غیرمردمی است.»

چیرگی سه‌ضلعی فسادساز «سفته‌بازی و دلالی»

در ادامه این کارشناسان، ۲۹ ویژگی را برای اقتصاد کنونی ایران برشمردند که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: «انحراف مسیر توسعه کشور از «اقتصاد تولید-محور» به «اقتصاد رانت-محور»؛ توسعه مبتنی‌پر تولید مواد خام اولیه و کالاهای و خدمات با اشتغال‌زایی و ارزش افزوده پایین، آلوده‌کننده محیط زیست، به رشد اقتصادی نازل، بی‌کیفیت و پرتوساز؛ افزایش وابستگی به صادرات مواد خام و اولیه صنعتی و معدنی با تکیه بر رانت گسترده منابع و انرژی؛ رشد و گسترش شدید و بی‌قاعده بخش‌های رانتی شبه‌دولتی (پتروشیمی، فولاد، معدنی، خودروسازی و بانکی)؛ پشتیبانی همه‌جانبه نظام تصمیم‌گیری از بنگاه‌های شبه‌دولتی؛ تضعیف و تحدید مستمر بخش خصوصی واقعی، به‌ویژه بخش خصوصی مولد (صنایع کوچک و متوسط)، غیرمردمی‌شدن اقتصاد و در نهایت تشدید رکود، در فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی واقعی، کاهش سطح درآمد و معیشت عامه مردم و تشدید فقر و نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی؛ افزایش پنج برابری واردات همراه با پنج‌برابرشدن واردات کالاهای مصرفی کم‌کیفیت از تعداد معدودی از کشورهای تولیدکننده آسیایی موجب شد که بازار داخلی تحت تسلط تولیدات مصرفی وارداتی از ارزان‌قیمت و بدون کیفیت مناسب قرار بگیرد؛ تسلط و چیرگی سه‌ضلعی اقتصادی نامولد و فسادساز «سفته‌بازی، دلالی و...» بر اقتصاد ایران.»

تشکیل سه‌وجهی آهنین

در ادامه ویژگی‌های اقتصادی کنونی ایران نوشته شده است: «تورج و وا‌شاعه فساد در سطح قوای سه‌گانه با ایجاد لابی‌های سیاسی و اقتصادی و تشکیل سه‌وجهی آهنین بین دولت (بوروکرات‌ها)، مجلس (قانون‌گذاران) و گروه‌های اقتصاد رفاقتی؛ گسترش پدیده درهای چرخان با جابه‌جایی گروه‌های منتخب بین قوای مجریه و مقننه و بنگاه‌های خصولتی در طول سه دهه گذشته؛ استفاده از قدرت سیاسی در ایجاد و اداره واحدهای خصولتی به‌منظور تأمین منافع شخصی و گروهی؛ نداشتن شفافیت و نظارت لازم و کافی در دخل و خرج بنگاه‌های خصولتی و تقسیم بخش مهمی از سودها و منافع کلان آنها در شبکه‌ای از بنگاه‌های دودرتو و وابسته؛ برخورداری کامل بنگاه‌های خصولتی رفاقتی از امتیازهای بنگاه‌های دولتی و خروج نسبی از نظارت سازمان‌های مسئول و گریز از هرگونه شفافیت

اقتصاد

معاون بانکی سابق وزارت اقتصاد در تحلیل بسته ارزی جدید دولت پیشنهاد داد

شکل می‌گیرد. این جهش ناکهانی آثار اقتصادی زیادی را بر کشور تحمیل می‌کند. برای مثال، افرادی تسهیلات ارزی از بانک‌ها دریافت کرده‌اند. وقتی یکباره نرخ ارز جهش پیدا می‌کند، تولیدکننده‌هایی که درآمد آنها به ریال است، نمی‌توانند از پس بازپرداخت تسهیلات ارزی بریبایند. این خود نسبت معوقات بانکی را بسیار عمیق می‌کند. بنابراین یک سیکل جدید مشکلات در کشور ایجاد می‌شود.

«عملکرد بانک مرکزی در این حوزه در دوره اخیر چگونه بوده است؟

متأسفانه در سه سال اخیر اقدامات بانک مرکزی ناخواسته موجب شد از نظام ارزی شناور فاصله بگیریم و درنهایت هم وقتی نتوانست از ارز اسمی مطلوب دولت دفاع کند و فاصله از آزاد با واقعی به شکل چشم‌گیری زیاد شد، اجازه نزدیک‌شدن این دو نرخ را نداد و همین موجب تقویت انگیزه‌های سوداگرانه شد. تا قبل از اینکه شکاف قیمتی بین نرخ رسمی و بازار وجود داشته باشد، انگیزه بازرگانان در این بازار معاملاتی بود، اما وقتی این شکاف بیشتر می‌شود، تقاضای سوداگری برای خرید و فروش ارز هم به میدان می‌آید. اینکه بانک مرکزی فاصله میان این دو نرخ را معقول و طبیعی بداند، اصلا منطقی نیست و ناچار می‌شود یک روزی تسلیم نرخ بازار شود.

« در بسته جدید ارزی بانک مرکزی با ارائه‌اندازی بازار ثانویه و مجازشمردن فعالیت صرافی‌ها، به سمت ارز آزاد حرکت کرده، اما چه ضمانتی وجود دارد تجربه رانت ارز چند ماه اخیر تکرار نشود؟

واقعیت اقتصادی فعلی به ما می‌گوید نباید در پرتو سیاست ارزی رانت ایجاد شود و با اعمال سیاست ارزی فضایی را فراهم کنیم که کسانی با استفاده از این سیاست بدون فعالیت اقتصادی کسب درآمد کنند. بانک مرکزی و دولت در بسته جدید ارزی تلاش کرده‌اند جلوی بروز رانت را بگیرند. اگر می‌خواست نظام تک نرخ‌ای را حاکم شود، با توجه به جهش ناکهانی ارز بسیاری از کالاهای اساسی و مصرفی جهش قیمت قابل ملاحظه‌ای را تجربه می‌کردند و ضربه سنگینی به اقشار آسیب‌پذیر تحمیل می‌کرد، همچنان که در ماه‌های اخیر هم شاهد افزایش قیمت کالاهای و حتی کالاهای غیرارزی بودیم. بنابراین دولت ناچار است بخشی از منابع خود را به تأمین ارز واردات کالاهای ضروری اختصاص دهد و البته باید مطمئن شود در چرخه توزیع با قیمت کنترل‌ی به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

« رئیس بانک مرکزی در توضیح تأمین ارز کالاهای ضروری و جلوگیری از افزایش قیمت این کالاهایعنوان کرده که تمهیداتی اندیشیده شده است؛ اما او توضیح بیشتری مبنی بر چگونگی آن ارائه نکرده است. باتوجه به اینکه سیستم توزیع کالا در دست بخش خصوصی است و قیمت‌گذاری در این حوزه از طریق خود بازار انجام می‌شود، دولت چطور می‌تواند افزایش قیمت این کالاهای را مهار کند؟ اما اینکه در ماه‌های اخیر با اینکه ارز چهار هزارو ۲۰۰تومانی به کالاهای اساسی تعلق می‌گرفت، اما تقریبا عمده این کالاهای با افزایش قیمت همراه بوده است.

ادامه در صفحه ۵

و اولیه و ارزان‌فروشی صادراتی بنگاه‌های شبه‌دولتی و در همین حال گران‌فروشی (همراه با اخذ مالیات شرکتی و مالیات ارزش افزوده) به صنایع پایین‌دستی بخش خصوصی؛ رشد بی‌سابقه مالی‌سازی اقتصاد (رشد قارچ‌گونه بانک‌ها و مؤسسات مالی و تفوق فعالیت‌های نامولد پر مولد)، سلب مالکیت و ارزان‌سازی نیروی کار؛ استفاده ابزاری از محمل «بخش خصوصی» و اقتصاد بازار» به‌منظور ترویج و دفاع از رانت‌جویی.»

اقتصاد ایران در گریز یک بحران چندلایه

در بخش نتیجه‌گیری این بخش نوشته شده: «اقتصاد ایران با یک بحران چندلایه و بسیار گسترده روبه‌روست از امکان روبروایی غیربرنامه‌ای و اقدامات جزئی‌نگر و جزیره‌ای با آن وجود ندارد و تنها به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده و فقط از مسیر یک برنامه منکی بر دانش و تجربه کارشناسان مستقل همراه با مشارکت فعال نهادهای مدنی قابل حل‌وفصل است.»

جرم‌انگاری انتقال مدیران دولتی به بنگاه‌های خصولتی

در ادامه این کارشناسان اقتصادی، ۲۰ راه‌حل را برای خروج از این بحران ارائه داده‌اند: «محدودسازی و کاهش تزریق رانت (به‌خصوص رانت منابع و انرژی) به بنگاه‌های خصولتی و توزیع عادلانه، متناسب و متوازن آن در طول زنجیره‌های ارزش با توجه به ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، تشکیل یک نهاد فراقوه‌ای برای جلوگیری از تشدید فکری و سیاستی کنونی، مبارزه قرائر با فساد از طریق محدودسازی از حذف انواع رانت‌ها به‌ویژه رانت‌های انرژی، برنامه‌ریزی عاجل برای تقویت توان حکمرانی (کنترل و نظارت و قاعده‌گذاری) دولت، تفکیک کامل مدیریت دولتی از مدیریت بنگاه‌های خصولتی، جرم‌انگاری انتقال مدیران دولتی به بنگاه‌های خصولتی قبل و بعد از بازنشکستی، کنترل جدی نوع روابط میان مدیران دولتی و نمایندگان مجلس، جایک‌سازی و سالم‌سازی نظام مالیاتی کشور و گسترش دامنه مالیات‌ستانی به تمامی بخش‌های خدماتی و به‌خصوص مالیات بر مستغلات، درآمد‌های حاصل از سود سپرده‌های بانکی و فعالیت‌های نامولد مانند واسطه‌گری و دلالی، کاهش مالیات صنایع کوچک و متوسط و لغو معافیت‌های مالیاتی صادرات مواد خام و اولیه؛ با هدف شفاف‌سازی مهم‌ترین کانون توزیع رانت و امکان‌پذیرکردن نظارت‌های مهمانی و تخصصی و پاسخ‌گوکردن دولت در باب تک‌تک موارد تخصیص‌های ارزی، تصمیمات تخصیص ارزی به مجلس واگذار شود؛ به‌منظور کوتاه‌کردن دست نهادهای غیرپاسخ‌گو، بانک‌های به‌اصطلاح خصوصی بزرگ در صورتی‌که از نظر حسابداری، ورشکسته محسوب نمی‌شوند، در یکدیگر ادغام و به یک یا دو بانک تبدیل شوند و در مورد بانک‌های خصوصی کوچک یا از نظر حسابداری ورشکسته، انحلال، ادغام یا حتی انتقال مالکیت آنها در دستور کار قرار گیرد.

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه اول

روزشماری برای برگزاری مراسم تدفین مطبوعات کشور

با مراجعه به سامانه روزنامه رسمی نشانی دفتر این دو شرکت در خیابان‌های میرداماد و شریعتی تهران را شناسایی و به‌صورت حضوری به آن دفاتر مراجعه کردیم.

دفتر هانا تجارت پرلیت واقع در بلوار میرداماد (که اخیرا نیز از سوی شهرداری پلمب شده بود) و پلمب آن به صورت غیرقانونی باز شده بود) را شخصی باز کرد و گفت: «اشتباه آمدیم و چنین شرکتی اینجا نداریم»، بنابراین مراجعه به دفتر صنعت ساحل پرشیا در خیابان شریعتی نیز حاصلی نداشت چون ظاهرا منزلی مسکونی بود که هیچ‌چیز در آن ساکن نبود.

پیگیری‌های کالایی خاص و مرتبط با یک حوزه فرهنگی بسیار ضعیف (انظر نظر مالی) نتایج فوق را دربر داشت و این حکایت از تخصیص ارز دولتی در سایر صنایع کشور را دارد و باید گفت آقایان مسئول «مشت نمونه خروار است...».

برده چهارم: دو ماه بیشتر کاغذ نداریم

درحالی‌که دولت و مسئولان وزارت ارشاد واکنشی به عدم واردات و عرضه کاغذ مطبوعات بعد از گزارش بانک مرکزی و شرکت‌های صوری دریافت‌کننده از دولتی نداشتند، هفته قبل وزیر ارشاد گفت: در تنظیم بازار کاغذ، عوامل قیمت جهانی کاغذ و افزایش ارز تأثیر داشته و تلاش می‌کنیم کاغذ با قیمت پایین‌ه در اختیار مطبوعات و حوزه نشر قرار گیرد.

وی با بیان اینکه عرضه کاغذ بالاتر از قیمت پایه در بازار غیرمجاز است، افزود: موجودی ما در تأمین کاغذ فقط دو ماه آینده است و باید بانک مرکزی برای تأمین کاغذ سفارش با نرخ ارز دولتی تضمینی را داشته باشد.

به این ترتیب مشکل کاغذ مثل برخی مشکلات دیگر وارد مرحله پاس‌کاری میان دستگاه‌های دولتی شد تا آینده نشریات خصوصی کشور با ابهام و تاریکی بیشتری مواجه شود.

برده پنجم: کاغذ در گمرکات حبس شده است

اما پیگیری خبرنگار ما نشان می‌دهد در مشکلی مشابه بسیاری از کالاهای، کاغذ یکی از واردکنندگان قدیمی مطبوعات، در گمرکات کشور حبس شده و معطل پول برای ترخیص است؛ کاری که با یک هماهنگی ساده و یک کلیک قابل‌انجام است.

محمدتقی میراحمدی، مدیرعامل شرکت ارمغان گسترنویید، یکی از واردکنندگان اصلی کاغذ مطبوعات به خبرنگار ما می‌گوید: در ماه‌های گذشته کاهش تولید کارخانجات، افزایش قیمت مواد اولیه خمیرکاغذ و حمل‌ونقل و همچنین تعطیلی موقت

چندین کارخانه کاغذسازی در جهان از مهم‌ترین عوامل افزایش قیمت جهانی کاغذ بود و ما همه این موارد را از قبل می‌دانستیم و با طرف‌های تجاری خود برای مدیریت واردات و مصرف مذاکره کردیم تا مطبوعات بتوانند از این بحران به‌سلامت عبور کنند. به گفته وی، مهم‌ترین وظیفه تأمین‌کننده و بازرگان مدیریت بین عرضه و تقاضاست، ولی ضلع دیگر این مثلث دولت و نماینده آن بانک مرکزی و قوایان و بخش‌نامه‌های خلق‌الساعه است که توازن بازار را برهم زده و عامل این بحران شده‌اند.

این تاجر قدیمی گفت: قریب به ۳۰ سال است که در بازار کاغذ فعالیت می‌کنم و با راهکارهای مقابله با این‌گونه بحران‌ها آشنایی کامل دارم. دولت‌مردان ما باید بدانند که اقتصاد دستوری نیست و مسیر خودش را می‌رود.

وی ادامه داد: شرکت ما براساس تجربه‌های گذشته و آمار مصرف مطبوعات ثبت سفارش‌های خود را انجام داده و کاغذ مورد نیاز مطبوعات وارد کشور شده و در آیدند (به‌شروط به تخصیص ارز) ادامه خواهد داشت.

عضو انجمن واردکنندگان کاغذ افزود: مطبوعات به دلیل نداشتن کاغذ در آستانه تعطیلی هستند، حجم زیادی کاغذ در گمرک موجود است، ولی به دلیل عدم تخصیص ارز قادر به ترخیص آن نیستیم، به نظر می‌رسد دولت هیچ اراده‌ای برای حل مشکل کاغذ مطبوعات نداشته و این‌ها را کاغذ‌ها را به ابام مرتکب موضوع را در تمامی مسئولان وزارت ارشاد، وزارت صمت و بانک مرکزی اطلاع داده‌ایم.

وی افزود: در حال حاضر مقادیر قابل توجهی کاغذ روزنامه به وسیله این شرکت وارد شده و در گمرک نوشهر است که به دلیل عدم تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی هر روز هزینه انبارداری به آن اضافه می‌شود و نهایتا نیز قیمت مصرف‌کننده اضافه خواهد شد و هرچه فریاد می‌زنیم که این کاغذ عامل حیات مطبوعات در این ایام است، ولی گویا تصمیم‌گیران دولتی دوست دارند نظاره‌گر مرگ مطبوعات باشند و تمایلی به ادامه فعالیت آنها ندارند.

این شرکت در هشت ماه اخیر بازار را مدیریت کرده و با همه نوسانات اخیر در سه ماه اخیر قیمت را برای مطبوعات نگه داشته است.

مدیرعامل شرکت ارمغان‌گستر نوید گفت: بازار انواع کاغذ تحریر و روزنامه سالانه ۳۸۰ هزار تن است که سهم مطبوعات قریب به ۷۰ هزار تن است و چنانچه مصرف این نوع کاغذ‌ها را به ابام مرتکب سال تقسیم کنیم، باید روزانه ۶۰ کامیون کاغذ تحریر و روزنامه از گمرکات سراسر کشور خارج شوند تا بازار ثبات داشته باشد و عفالن حوزه چاپ و نشر با آرامش فعالیت کنند.

ادامه در صفحه ۵